

تحلیل گفتمان رئیس جمهور ایران در خصوص همه گیری کرونا؛ مطالعه موردی سخنرانی ها در هیأت دولت و ستاد ملی کرونا

حسین کرمانی^۱ / مونا خورشیدی^۲ / محمد عراقی آشتیانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش نهایی: تیر ۱۴۰۰

چکیده

هدف این مقاله تحلیل گفتمان سخنرانی های رئیس جمهور وقت ایران (حسن روحانی) در دوران شیوع ویروس کرونا در کشور است. انتشار سریع ویروس کرونا، هرچند از منظرهای مختلف مورد تحقیق قرار گرفته است، فرصتی مناسب برای تجزیه و تحلیل سخنرانی های سیاستمداران در این همه گیری خاص نیز فراهم کرده است. در این مقاله سخنرانی های روحانی، از تاریخ ۴ اسفند ۱۳۹۸ تا ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ در هیأت دولت و ستاد ملی مبارزه با کرونا، براساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف مطالعه شده است. با تلفیق کدگذاری کمی و کیفی، تلاش کردیم گره گاه های مرکزی و دال های اصلی را شناسایی و تحلیل کرده تا ساختار گفتمان کرونا در سخنرانی های روحانی گمانه زنی شود. همچنین، شیوه های بلاغی مورد استفاده توسط روحانی برای مفصل بندی این گفتمان را تحلیل کردیم. یافته ها نشان می دهد سه دال مرکزی در گفتمان رئیس جمهور حول محور کرونا مفصل بندی شده است: کشور، دشمن و وضعیت استثنایی. بنابراین، مفصل بندی ساختاری گفتمان کرونا شبیه گفتمان هژمون در ایران است. ما همچنین تشریح کردیم که روحانی چگونه از کرونا به عنوان دال تهی برای تقویت گفتمان هژمون در ایران استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: رئیس جمهور ایران، تحلیل گفتمان، ویروس کرونا، لاکلا و موف.

۱- دکترای علوم ارتباطات، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: h.kermani@ut.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

رویکرد گفتمانی به کرونا

پس از آنفولانزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸، شیوع ویروس کرونای جدید، دوباره جهان را در وضعیتی نگران‌کننده قرار داده است (کاپانوف و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به اهمیت تأثیرات کرونا بر زندگی انسان‌ها، این موضوع در رشته‌های پزشکی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، از آنجاکه کرونا هنوز «وضعیت نوظهوری است و به سرعت در حال تحول است (خلاصه وضعیت بیماری ویروس کرونا، ۲۰۲۰)، تحقیقات زیادی درباره ابعاد مختلف این بیماری انجام نشده است. با این وجود، برخی تحقیقات در علوم اجتماعی تلاش کرده‌اند تا جنبه‌های مختلف این بیماری را مورد مطالعه قرار دهند. این پژوهش‌ها عمدتاً بر شیوه‌های ارتباطی افراد (اورت و همکاران، ۲۰۲۰)، ارزیابی تئوری‌های توطئه (فریشلیچ، ۲۰۲۰)، نابرابری‌های دیجیتالی (خیلنی، شولز و رابینسون، ۲۰۲۰) و گسترش اطلاعات نادرست (شی و همکاران، ۲۰۲۰) متمرکز بوده‌اند. علیرغم این تحقیقات، تحقیقاتی که بتوانند به درک ما از چگونگی بر ساخت معنی ویروس کرونا (به عنوان یک دال تهی) از دیدگاه گفتمانی، عمق ببخشند وجود ندارند. در واقع، همان‌طور که مردم برای حفظ زندگی‌شان با این ویروس می‌جنگند، نزاعی گفتمانی نیز بر سر بر ساخت معنای این دال تهی وجود دارد.

دال تهی به ویژه توسط سیاستمداران بسیار مورد توجه قرار گرفته است، چرا که نقش مهمی در درگیری‌های گفتمانی در روند مفصل‌بندی هژمونیک دارد (لاکلا، ۲۰۰۳).

سیاستمداران تلاش می‌کنند تا پیش از آنکه دال‌های تهی توسط گفتمان‌های رقیب مفصل‌بندی شوند، معنای مدنظر خود را بر آن تحمیل کنند. بر این اساس، دال‌های تهی محملی مناسب برای توجیه عملکرد، تثبیت دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌ها، تبلیغ برنامه‌ها و سیاست‌ها و ... برای سیاستمداران فراهم می‌کنند (همان).

کرونا به عنوان نشانه‌ای که پیش از ظهور از کشور چین و همه گیری سریع آن جایی در مفاهیم آشنا برای انسان‌ها نداشت، نزد اکثر افرادی که قبلاً در مورد آن چیزی شنیده بودند، به عنوان یک دال تهی ظاهر شد. به همین ترتیب، کرونا یک دال تهی مناسب برای سیاستمداران فراهم کرده است. با توجه به جدید بودن کرونا و ظهور زود هنگام آن در سخنان سیاستمداران، تحقیقات زیادی در مورد معنای گفتمانی آن صورت نگرفته است. بنابراین، هنوز نمی‌دانیم که سیاستمداران چقدر و تا چه اندازه از کرونا به عنوان یک دال تهی استفاده می‌کنند.

برای رفع این خلاء تحقیقاتی، ما سخنرانی‌های رئیس‌جمهور وقت

ایران (حسن روحانی) را تحلیل کرده تا شناخت بهتری از مفصل‌بندی وی حول محور همه‌گیری کرونا ارائه دهیم. ایران جزء نخستین کشورهایی بود که متحمل شیوع کرونا در مقیاسی وسیع شد. علیرغم برخی استدلال‌های بحث‌برانگیز که تلفات واقعی را بسیار بیشتر می‌دانند، وزارت بهداشت ایران (آمار رسمی کرونا در ایران، ۲۰۲۰) از مرگ ۵۹۵۷ و ابتلای ۹۳۶۵۷ نفر در زمان نگارش این مقاله گزارش داده است (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹).

با توجه به اهمیت و وضعیت کرونا در ایران، روحانی در اکثر سخنرانی‌های خود به آن پرداخته است. بنابراین، سخنان روحانی مجموعه‌ای مناسب برای تجزیه و تحلیل چگونگی تولید گفتمان‌های کرونا در بین سیاستمداران در کشورهایی که درگیری بالایی با این ویروس دارند، است. این تحقیق به می‌تواند به دانش ما درباره چگونگی استفاده سیاستمداران از زبان، به ویژه دال‌های تهی برای تثبیت اهداف خود و یا مسلط کردن ارزش‌های تازه عمق بیشتری ببخشد. همچنین در صورت انجام تحقیقات بیشتر روی نحوه مفصل‌بندی گفتمان‌های مختلف پیرامون کرونا توسط سیاستمداران در کشورهای دیگر، می‌توان از یافته‌های این پژوهش برای مشخص ساختن تفاوت‌ها و شباهت‌های تولید گفتمان‌ها در بسترهای سیاسی - اجتماعی مختلف استفاده کرد.

در این مقاله، ابتدا تحقیقات فعلی در حوزه تحلیل گفتمان سخنان سیاستمداران را مرور می‌کنیم. این مرور نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود در کشورهای مختلف صرفاً روی سخنان سیاستمداران در رویدادهای اجتماعی - سیاسی رسمی متمرکز شده و از گفتمان‌های سیاستمداران در هنگام بروز اپیدمی‌ها غفلت شده است. سپس، شرح کاملی از نظریه گفتمانی لاکلا و موف ارائه خواهد شد.

در بخش بعد، توضیح می‌دهیم که چگونه سی سخنان روحانی، که در کابینه وی یا ستاد ملی مقابله با کرونا از ۴ اسفند ۱۳۹۸ تا ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ ایراد شده است، را انتخاب و تحلیل کرده‌ایم. در نهایت، یافته‌های تحقیق ارائه می‌گردد تا ساختار گفتمان روحانی حول محور کرونا و همچنین شیوه‌هایی که وی برای مفصل‌بندی دال‌های مختلف در این گفتمان به کار برده است، مشخص شود.

زبان و گفتمان در سخنرانی‌های سیاستمداران: به موازات اینکه اهمیت زبان در معنا بخشی به کنش‌ها و کردارهای انسانی توسط نظریه‌پردازان پسا ساختارگرا و پست مدرنیست مورد بحث قرار گرفت (فوکو، ۲۰۱۰؛ یونگ، ۱۹۸۱)، «گفتمان» به عنوان یک مفهوم جامع برای شناخت شیوه‌هایی که زبان واقعیت‌های اجتماعی و روان‌شناسانه را بر می‌سازد مطرح شد (ویلیگ، ۲۰۱۴).

برجسته‌ترین هویت‌های گفتمانی در سخنرانی روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۷، «ایران» و «هویت ایرانی» بوده است. یافته‌های این محققان، همچنین، نشان می‌دهد که «تروریسم پروری آمریکا» یکی از محورهای اصلی گفتمان روحانی بوده است. در تحقیقی دیگر، (جهانگیری و فتاحی، ۱۳۹۰)، نشان داده‌اند که عزت و سربلندی ایران، ارزش‌های انقلاب، توانمندی ملی و پیشرفت جزو محورهای اصلی در گفتمان محمود احمدی‌نژاد در سخنرانی‌های او در جریان رقابت‌های انتخاباتی ۱۳۸۸ بوده‌اند. (کیوانی، ۱۳۹۱) با تحلیل سخنرانی‌های احمدی‌نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل نشان داده است که احمدی‌نژاد با تأکید بر موعودگرایی و مدیریت جهانی کوشیده که هژمونی آمریکا و قدرت‌های غربی را به چالش بکشد.

در حالی که تحقیقات علمی گذشته، فرصت تحلیل گفتمان‌های سیاست‌مداران در زمان شیوع چنین بیماری‌های همه‌گیری را نداشتند، انتشار سریع کرونا زمینه‌ای مناسب فراهم آورده تا شیوه‌های سیاست‌مداران برای مفصل‌بندی دال‌های تپی در طول بحران بیماری‌های فراگیر را مطالعه کنیم. در مدت اخیر، چند تحقیق معدود تلاش کرده‌اند به تحلیل مواجهه هویت‌های گفتمانی مختلف (مانند وزارت بهداشت) با ویروس کرونا بپردازند.

(یل شرز و منصفی، ۱۳۹۹ الف) نشان داده‌اند که وزارت بهداشت در مواجهه با کرونا بر ذخایر ایدئولوژیک ملی و مفاهیم وحدت آفرین دینی - انقلابی تأکید داشته است. آن‌ها با استفاده از مدل تحلیل انتقادی گفتمان (فرکلاف، ۱۹۸۹) نشان داده‌اند که وزارت بهداشت ایران با بهره‌گیری از دو مؤلفه هویت‌بخش و گفتمان‌ساز ایدئولوژی دینی - انقلابی و حادثه تاریخی جنگ ایران و عراق در تلاش است تا با به کارگیری شعارهایی با «ارزش تجربی» ایدئولوژیک در سطح «متن» ضمن یادآوری روایت‌های موفق دوران جنگ، مردم را به تفسیر دینی - انقلابی از این شعارها در سطح «گفتمانی» ترغیب کند و با ایجاد روح همبستگی ملی در میان آحاد ملت، همراهی آنان را در شکست دادن بیماری به حداکثر برساند. آن‌ها (یل شرز و منصفی، ۱۳۹۹ ب) در تحقیقی دیگر با تمرکز بر مواجهه ایالات متحده با ویروس کرونا، ادعا می‌کنند که در این کشور، استفاده مکرر از عبارت «ویروس چینی» به باز تولید تفکرات قالبی در جامعه منجر شده و زمینه تقویت گفتمان‌های نژادپرستانه و تحقیر گروه‌های اقلیت در سطح جامعه را فراهم ساخته است. تحلیل گفتمان‌های مربوط به کرونا، موضوع یک مقاله دیگر در حوزه گردشگری نیز بوده است.

(رحمتی، ۱۳۹۹) با تحلیل گفتمان متون رسانه‌ای تولید شده گردشگری در دوران کرونا در ایران، گفتمان‌های بر ساخت شده توسط این متون را شناسایی و تحلیل کرده است.

تحلیل گفتمان، در معنای وسیع آن، در بسیاری از مطالعات در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. بخش مهمی از چنین مطالعاتی بر سخنان سیاست‌مداران متمرکز بوده است. با توجه به موقعیت ممتاز سیاست‌مداران در هر جامعه، سخنان آن‌ها نقش اساسی در مشروعیت بخشیدن به قدرت نهادی، ارتباط برقرار کردن با مردم، متقاعد ساختن آن‌ها، تولید معانی جدید، همدردی و ... دارد. علاوه بر این، سخنان سیاست‌مداران متونی نیست که به طور لحظه‌ای و آنی پدید آمده باشد. در واقع، برای نوشتن این متون زمان و دقت زیادی صرف می‌شود. بنابراین، مطالعه آن‌ها می‌تواند نشان دهد که سیاست‌مداران چگونه، با چه مکانیزمی و تا چه اندازه از زبان در جهت مقاصد خود استفاده کرده، از این طریق گفتمان‌های دلخواه خود را پدید می‌آورند.

(پرز و رچامپز، ۲۰۲۰) نشان داده‌اند، بیشتر مقالات (۶۴،۰۲٪) که در بیست سال گذشته گفتمان‌های سیاسی را تحلیل کرده‌اند، به گفتمان‌های تولید شده توسط نخبگان سیاسی اختصاص یافته است. از بین انواع مختلف بازیگران سیاسی، بیشترین توجه به اعضای دستگاه‌های اجرایی (رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران) و نمایندگان پارلمان (۵۴،۲۸٪) اختصاص یافته است.

بر اساس تعریف (ون دایک، ۱۹۹۷) از تحلیل گفتمان سیاسی، بخش مهمی از ادبیات موجود، به سخنرانی‌های سیاست‌مداران در رویدادهای رسمی یا وقایع اجتماعی - سیاسی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، گفتمان دوگانه خیر - شر که در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا به وجود آمده است مورد مطالعه قرار گرفته است (داهریز، ۲۰۱۳؛ هیوز، ۲۰۱۹).

تحقیقات متعدد دیگری روی تحلیل گفتمان مقام‌های سیاسی در کشورهای دیگر، از جوامع دموکراتیکی مانند آلمان و کره جنوبی گرفته، تا کشورهای اقتدارگرا مانند چین نیز وجود دارد (آلن، بارا و بارتل، ۲۰۱۳؛ چونگ جو چانگ و هان وو پارک، ۲۰۱۰؛ کارون و سوتانت، ۲۰۱۷؛ سولیوان و سایپر، ۲۰۱۲؛ تاکال، ۲۰۱۸).

با این حال، پژوهش‌های موجود، چه در جوامع دموکراتیک و چه غیر دموکراتیک، سخنرانی‌های سیاست‌مداران در زمان بیماری‌های عفونی را به طور مطلوب و مناسبی تحلیل نکرده‌اند.

تحقیقات علمی گذشته روی گفتمان‌های رؤسای جمهور ایران نیز تقریباً بر سخنرانی‌های آن‌ها در رویدادهای رسمی (به عنوان مثال، سفرهای ریاست جمهوری، مجمع عمومی سازمان ملل و غیره) متمرکز بوده است. با وجود برخی اختلافات، این سخنرانی‌ها سعی دارند گفتمان هژمون در ایران را که بر غرور و توانایی ملی تأکید دارد و بر اساس دشمنی با ایالات متحده آمریکا شکل گرفته، تقویت کنند (عالمی، تاج‌الدین و رجیبی کندلاجی، ۲۰۱۸؛ جهانگیری و فتاحی، ۱۳۹۰).

به عنوان مثال، (انصاریان و دیگران، ۱۳۹۸) نشان داده‌اند که

مرور تحقیقات موجود نشان می‌دهد که اولاً تعداد تحقیقات انجام شده بسیار اندک است و در وهله بعد، این تحقیقات به تحلیل گفتمان سیاست‌مداران ایرانی در مواجهه با این بحران نپرداخته‌اند. بنابراین، این پژوهش نه تنها به درک ما از گفتمان‌های سیاست‌مداران به طور کلی کمک می‌کند، بلکه همچنین درک بهتری از روش‌هایی که سیاست‌مداران گفتمان‌ها را در زمان بیماری‌های همه‌گیر شکل می‌دهند، فراهم می‌سازد.

تثبیت شبکه معنا؛ لاکالا- موف و نظریه گفتمان: نظریه گفتمان (لاکالا و موف، ۱۹۸۵)، اساس نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهد. تحلیل گفتمان لاکالا-موف یکی از مؤثرترین تلاش‌ها برای فهم ماهیت، اهمیت و پیامدهای سیاسی استفاده از زبان است. آن‌ها (لاکالا و موف، ۱۹۸۵) استدلال می‌کنند که امر اجتماعی؛ و در نتیجه دانش و درک ما، یک واقعیت مادی عینی نیست، بلکه بر ساختی گفتمانی است. از این رو، واقعیت خارجی وجود مستقلی ندارد؛ درک ما از واقعیت و ماهیت ابژه‌های واقعی کاملاً توسط گفتمان‌ها میانجی‌گری می‌شود. لاکالا و موف بر اساس تفکر اجتماعی پسامارکسیستی و زبان‌شناسی پساسوسوری، استدلال می‌کنند که نشانه‌ها (و معانی) هرگز به طور دائمی تثبیت نمی‌شوند (ریبر و جونز، ۲۰۱۳).

بنابراین، گفتمان به عنوان یک پارچگی ساختاری تفاوت‌ها تلاشی برای تثبیت شبکه معانی در یک حوزه خاص است (لاکالا و موف، ۱۹۸۵: ۱۴-۱۰۵).

تحلیل گفتمان تلاش می‌کند تا فرایندی را که با استفاده از آن می‌توان معنای نشانه‌ها را تقریباً ثابت (و متزلزل) کرد، ترسیم کند (ریبر و جونز، ۲۰۱۳).

لاکالا و موف ابزارهای مفهومی ارزشمندی برای تجزیه و تحلیل گفتمان‌ها، خصوصاً در مورد کشمکش‌های گفتمانی، ارائه کرده‌اند. گره گاه یا دال مرکزی^۱ در این نظریه از اهمیت بالایی برخوردار است. دال مرکزی، نقطه مرجع اصلی است که یک میدان معین حول آن شکل گرفته و یکپارچه می‌شود (لاکالا و موف، ۲۰۰۱).

دال‌هایی نیز وجود دارند که معانی آن‌ها (حتی به طور جزئی) تثبیت نشده‌اند. این دال‌ها که عنصر^۲ نامیده می‌شوند، می‌توانند معانی تازه‌ای بپذیرند. آن‌ها همچنین به عنوان دال‌های شناور شناخته می‌شوند. عناصر یا دال‌های شناور^۳ می‌توانند در فرایند مفصل‌بندی به وقته‌ها تبدیل شوند. مفصل‌بندی^۴ عبارت است از «هر عملی که رابطه‌ای میان عناصر برقرار می‌کند؛ به گونه‌ای که هویت آن‌ها به عنوان نتیجه عمل

مفصل‌بندی اصلاح شود» (لاکالا و موف، ۱۹۸۵: ۱۰۵). وقته‌ها^۵ یا دال‌های کلیدی^۶ از نظر (ریبر و جونز، ۲۰۱۳)، نشانه‌های تثبیت شده‌ای هستند که موقعیت اصلی در گفتمان به عنوان دال مرکزی ندارند. به عبارت دیگر، مواضع گفتمانی (عناصر) از طریق فرایند مفصل‌بندی به وقته‌های معنی‌دار تبدیل می‌شوند. سرانجام؛ دال تهی یک دال خالص و بدون مدلول است (لاکالا، ۲۰۰۳)، که تنها از طریق موقعیت خود نسبت به سایر نشانه‌ها معنی می‌یابد (ریبر و جونز، ۲۰۱۳).

وقتی که یک گفتمان ساخته می‌شود، به طور هم‌زمان هم به دال‌ها معانی مشخصی می‌دهد و هم معانی رقیب را طرد می‌کند (همان). در نتیجه، مازاد شناور معانی که از معانی طرد شده به وجود آمده است، حوزه گفتمان‌گونگی^۷ را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که لاکالا و موف توضیح می‌دهند: هر گفتمانی به عنوان تلاشی برای تسلط بر حوزه گفتمان‌گونگی، توقف جریان تفاوت‌ها و شکل‌دهی یک مرکز ثقل، تشکیل شده است (لاکالا و موف، ۲۰۰۱: ۱۱۲).

به این معنا، کشمکشی دائمی بین گفتمان‌ها برای تعیین کردن معنای دال‌ها وجود دارد. علاوه بر این، گفتمان مسلط گفتمانی است که به طور موقت شبکه معانی را در یک نظم خاص تثبیت می‌کند. هنگامی که گفتمانی مسلط می‌شود، رویه‌های اجتماعی که در آن ایجاد می‌شود در یک وقته معین چنان طبیعی به نظر می‌رسد که ما نمی‌توانیم ببینیم که این نتیجه اقدامات سیاسی است (لاکالا، ۱۹۹۳؛ ریبر و جونز، ۲۰۱۳).

بعدها، (لاکالا، ۲۰۱۴) مفهوم رتوریک را برای عملیاتی‌سازی فرایند مفصل‌بندی استفاده کرد. ما به بحث پیچیده لاکالا در مورد رتوریک نمی‌پردازیم؛ چراکه هدف این تحقیق نیست (برای توضیحات بیشتر، بنگرید به: بوش، ۲۰۱۲؛ فین‌لیزون، ۲۰۱۲؛ کاپلان، ۲۰۱۰). لاکالا، تحلیل رتوریک را فراتر از تاریخ طولانی این مفهوم در فلسفه و ادبیات (سیمون، ۲۰۰۸) با مبانی هستی‌شناختی تحلیل گفتمان تلفیق می‌کند. به این معنا، رتوریک به عمق ساختار احتمالی زبان اشاره دارد (بوش، ۲۰۱۲).

از آنجا که همه چیز گفتمانی است و گفتمان‌ها هم همیشه ناقص و موقتی هستند، دال‌ها به طور دائم توسط گفتمان‌های مخالف تهدید می‌شوند. بنابراین، رتوریک موضوع تصادف است نه ضرورت (بوش، ۲۰۱۲)، و همه زبان رتوریک است (توماسن، ۲۰۱۶). بنابراین، رویکرد گفتمانی نشان می‌دهد که معنای جهان کشف نمی‌شود؛ بلکه از طریق روش‌های رتوریک ساخته می‌شود (دلوسا، ۱۹۹۹).

^۵. Moment

^۶. Key Signifier

^۷. Field of Discursivity

^۱. Nodal Point

^۲. Element

^۳. Floating Signifier

^۴. Articulation

سخنرانی‌ها در دو نوبت بر اساس رویکرد (سالدانا، ۲۰۱۵) در کدگذاری کیفی، کدگذاری شده است. ما برای اینکه نتایج روایی بالاتری داشته باشیم، کدگذاری کمی و کیفی را با هم تلفیق کردیم. ابتدا، کدشیت اولیه بر اساس تجربیات، پیش‌بینی‌ها و ادبیات نظری آن‌گونه که توسط سالدانا مطرح کرده، طراحی شد. بر اساس رویکرد کدگذاری موقت در دور اول کدگذاری (همان)، همه سخنرانی‌ها به صورت تماتیک کدگذاری شدند. در این مرحله، کدگذارها در اصلاح، گسترش و ویرایش کدشیت آزادی عمل داشتند تا سرانجام به کدشیت نهایی برسند. علاوه بر احصای مقوله‌های نهایی در این مرحله، کدگذاران متون سخنرانی‌ها را به طور کیفی و بر اساس نظریه لاکلا و موف نیز کدگذاری کردند. یادداشت‌های تحلیلی که در این مرحله تهیه شد، به طور سیستماتیک برای شناسایی دال‌های مرکزی و وقته‌ها دسته‌بندی و تحلیل شدند.

برای روایی بالاتر یافته‌ها و تحلیل‌ها، پس از نهایی کردن کدشیت، در مرحله دوم از روش کدگذاری الگویی (همان) در کدگذاری کل متن استفاده شد. در این مرحله، مقولات احصا شده به صورت کمی کدگذاری شدند تا مشخص شود کدام مقوله‌ها در کل بسامد بالاتری دارند. ضریب توافق، پس از پایان کدگذاری، به میزان قابل توجهی رضایت بخش بود. در حالی که سطوح بالاتر از ۰.۸ عمدتاً برای پایایی متغیرها کفایت می‌کند (لومبارد و همکاران، ۲۰۰۲)، آلفای کرونباخ در این تحقیق ۰.۸۷ بود. ما تحلیل‌های کمی و کیفی را به طور رفت و برگشتی برای شناسایی چگونگی مفصل‌بندی گفتمان حول کرونا توسط روحانی و شیوه‌های بلاغی استفاده شده توسط او بکار بردیم. در واقع گره‌گاه‌های گفتمانی، دال‌های کلیدی و دیگر دال‌ها بر اساس اهمیت آن‌ها در گفتمان روحانی حول کرونا احصا شدند. نتایج و تحلیل‌ها در بخش بعد ارائه شده‌اند.

یافته‌ها

ما به منظور تحلیل سخنرانی‌های روحانی حول محور کرونا، روی گره‌گاه‌های مرکزی و دال‌های کلیدی (وقته‌ها) تمرکز کرده‌ایم. کشف و بررسی این دال‌ها، روش تجربی مطلوبی برای شناسایی و ترسیم گفتمان‌هاست (ریبر و جونز، ۲۰۱۳).

مهم‌ترین گره مرکزی که به طور منطقی تمام دال‌های دیگر را به هم مرتبط می‌کند، کرونا است. در آغاز، کرونا یک دال تهی بوده است؛ اما این دال تهی، پس از اینکه بارها و بارها در سخنرانی‌های روحانی تکرار می‌شود، به تدریج با معانی مطلوب و مرجح پر می‌شود. در این فرآیند، کرونا به یک دال مرکزی تبدیل شد که ساختار کل گفتمان را به هم پیوند داده است. این بخش تلاشی

(لاکلا، ۲۰۱۴) در مورد برخی از این شیوه‌های بلاغی بحث کرده است: استعاره‌ها و کنایه‌ها. این روش‌های رتوریک در زنجیره‌های هم‌ارزی/تفاوت عمل می‌کنند. هم‌ارزی توصیف می‌کند که تا چه اندازه دال‌ها در زنجیره‌های هم‌ارز با یکدیگر در ارتباط هستند تا گفتمان‌های کم و بیش پایدار تولید کنند (ریبر و جونز، ۲۰۱۳).

بنابراین، هر وقته در زنجیره هم‌ارزی، می‌تواند جایگزین دیگر وقته‌ها شود، زیرا همه آن‌ها یک دشمن مشترک (معانی رقیب) دارند (توماسن، ۲۰۱۶).

با این حال، چرخش گفتمانی، امکانات و اهمیت رتوریک را گسترش داده است (دلوسا، ۱۹۹۹). بنابر این، ما علاوه بر موارد فوق، شیوه‌های بلاغی که برای مفصل‌بندی گفتمان روحانی حول محور کرونا بکار رفته است را نیز تحلیل خواهیم کرد.

بنابراین، سوالاتی که این پژوهش تلاش می‌کند به آن‌ها پاسخ بدهد عبارت‌اند از:

۱- گفتمان همه‌گیری کرونا در سخنان روحانی چگونه بازنمایی شده است؟

۲- در این بازنمایی، روحانی از چه شیوه‌های بلاغی‌ای استفاده کرده است؟

روش جمع‌آوری داده‌ها و نمونه پژوهش

ابتدا، تمامی سخنرانی‌های روحانی در کابینه یا ستاد ملی مقابله با کرونا، که در وب‌سایت رسمی رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران^۱، از ۴ اسفند ۱۳۹۸ تا ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ منتشر شده، جمع‌آوری شد. مقامات و رسانه‌های رسمی در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ تأیید کردند که کرونا وارد ایران شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، کرونا، از شهر مقدس قم وارد ایران شد و در اولین روز دو نفر جان خود را از دست دادند. روحانی چهار روز بعد، اولین سخنرانی خود درباره کرونا را ایراد کرد. بنابراین ما با گردآوری این سخنرانی شروع کرده و و مجموعاً ۳۰ سخنرانی دیگر نیز تحلیل شد. در این بازه زمانی که کشور به شدت از این بیماری همه‌گیر رنج می‌برد، کرونا یکی از مباحث اصلی در سخنرانی‌های روحانی بود. از این رو، مجموع این ۳۰ سخنرانی نمونه پژوهشی مناسبی برای کشف چگونگی مفصل‌بندی روحانی حول محور کرونا است.

فرایند کدگذاری

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدگذاری از نرم‌افزار MAXQDA 2020 استفاده شده است. هر سه محقق به طور مستقل و هم‌زمان نمونه تحقیق را کدگذاری کرده‌اند. تمام

دوگانگی کشور و دشمن برای گفتمان هژمون در ایران نیز بسیار مهم است (خسروی نیک، ۲۰۱۵؛ مسعودی، ۲۰۱۹).
گفتمان هژمون در ایران، اساساً گفتمانی ستیزه‌جو است (گلکار، ۲۰۱۲؛ کریمی، ۲۰۱۸). به این معنا، گفتمان کرونا در سخنرانی‌های روحانی، تا حد زیادی گفتمان هژمون در ایران را بازتاب می‌دهد. کشور و دشمن با دال مرکزی دیگری در این گفتمان به هم مرتبط شده‌اند: وضعیت استثنایی. این مفهوم در آثار کارل اشمیت (گوبی، ۲۰۱۸) ریشه دارد؛ با این حال (آگامبن، ۲۰۰۵) دایره مفهومی «وضعیت استثنایی» را فراتر از مسائل حقوقی و ارتباط آن با دیکتاتوری توسعه داد. وضعیت استثنایی به سادگی به معنای «تعليق قانون» است. در حالی که برداشت ما در این مقاله از وضعیت استثنایی عمدتاً مبنی بر فهم آگامبن است؛ استفاده ما محدود به تعریف آگامبن نخواهد بود. بنابراین، ما درک دقیق‌تری از استفاده گفتمانی روحانی از این اصطلاح ارائه خواهیم داد. در بخش‌های بعدی، ما چگونگی تثبیت معنای هر یک از این دال‌ها در سخنرانی‌های روحانی را تحلیل و تفسیر خواهیم کرد.

کشور: «ما»ی گفتمانی در سخنرانی‌های روحانی

روحانی سعی کرده معنای کشور را با پیوند دادن وحدت، توانمندسازی، زندگی عادی، امید و اقتصاد با این دال تثبیت کند. هریک از این دال‌ها دارای معانی مثبت و بیانگر مفاهیم مطلوب هستند. وحدت به این معناست که کل کشور در این بحران هم‌صدا هستند. روحانی هرگونه اختلاف نظر در این زمینه را تکذیب کرده و به وضوح می‌گوید: «ببینید کرونا چه شکاف عظیمی در آمریکا ایجاد کرده اما نقطه مقابل آن، در ایران همه متحدتر از گذشته، در کنار هم و یاور همدیگر، دست به دست هم دادیم»^۱. در اینجا، وحدت با برخی از دال‌های شناور مانند بسیج، همکاری و شکست کرونا همراه است. چنین دال‌هایی بین چندین گره مرکزی و دال کلیدی در حال جابه‌جایی هستند.

دال کلیدی بعدی، توانمندسازی است. روحانی با اصرار تأکید می‌کند که ایران هم در تهیه مواد اولیه برای مردم و هم در مراقبت‌های بهداشتی و امکانات پزشکی، کشوری قدرتمند است. روحانی با ادعای وحدت و همچنین توانمندی کشور تلاش می‌کند نشان دهد که همه‌چیز عادی است. عادی بودن شرایط در گفتمان رئیس‌جمهور حول محور کرونا خود، یک دال اصلی است. شیوع کرونا با نوروز، هم‌زمان شد. روحانی در یکی از سخنرانی‌های خود تأکید می‌کند: «بعضی‌ها به من پیشنهاد کردند که دولت تعطیل نوروزی را امسال حذف کند و این تعطیلات را در فصل و زمان دیگر که کرونا نیست، ببرد که به اعتقاد من این کار عملی و شدنی نیست»^۲. می‌توان ادعا

است برای بررسی اینکه چگونه روحانی معنای مدنظر خود را بر کرونا تحمیل کرده و این دال تهی را در یک گفتمان به دال مرکزی بدل کرده است.

(تصویر شماره ۱)، شمایی کلی از گره‌گاه‌های مرکزی و دال‌های کلیدی در این گفتمان به دست می‌دهد. در این تصویر، گره‌گاه‌های مرکزی با دایره و وقته‌ها با مستطیل مشخص شده‌اند. لازم به ذکر است، دال‌های شناسایی شده بیشتر هستند و ما در این تصویر تلاش کرده‌ایم برای رعایت اصل سادگی، مهم‌ترین دال‌ها را به تصویر بکشیم. پس از ارائه این تصویر، ما به طور مختصر درباره ساختار گفتمان روحانی حول کرونا بحث کرده و در ادامه به طور مفصل به شناسایی هر یک از گره‌گاه‌های مرکزی و دال‌های کلیدی خواهیم پرداخت. در بخش‌های بعدی دال‌های دیگری که با این دال‌ها مفصل‌بندی شده‌اند را نیز شناسایی و تحلیل کرده، روابط بین دال‌ها و چگونگی مفصل‌بندی آن‌ها را شرح می‌دهیم. کرونا در ابتدا با سه دال مرکزی در ارتباط بوده است: کشور، دشمن و وضعیت استثنایی. در سخنرانی‌های روحانی، کشور و دشمن، به عنوان دو دال متخاصم ظاهر می‌شوند که توسط وضعیت استثنایی به هم مرتبط شدند. در اینجا، دال‌های متخاصم را به عنوان دال‌هایی تعریف می‌کنیم که سعی دارند با ترسیم خطوط جداکننده بین یکدیگر، موقعیت و معانی خود را تثبیت کنند. دال‌های متخاصم، خود را از دال‌های رقیب متمایز می‌کنند و بدین طریق مانع از این می‌شوند که معنای آن دال‌ها به تمامی تثبیت شود (لاکالا و موف، ۲۰۰۱).

چنین دال‌های متخاصمی دائماً موقعیت یکدیگر را در شبکه تثبیت معنایی تهدید می‌کنند. کشور - دشمن در گفتمان رئیس‌جمهور حول محور کرونا می‌تواند در چارچوب تفسیری تخصصی گسترده‌تر «ما-آن‌ها» تفسیر شود. چنین چارچوبی در نظریه سیاسی سابقه‌ای طولانی دارد. کارل اشمیت در مورد تضاد بین «دوست» و «دشمن» در توصیف خود از امر سیاسی بحث کرده است (مهرینگ، ۲۰۱۷). در اصطلاحات فوکو، چنین شکاف خصمانه‌ای به عنوان رویه‌های طرد مطرح می‌شود (فوکو، ۱۹۶۵؛ پیترز و بسلی، ۲۰۱۴).

با اصطلاحات لاکالا و موف، کشور را می‌توان به عنوان «ما» و دشمن را به عنوان «آن‌ها» درک کرد. همان‌گونه که (لاکالا، ۲۰۰۸) استدلال کرده است، همه عناصر اجتماعی، هویت خود را حول محور فضای اجتماعی متمایز، در اطراف این دو قطب پیدا می‌کنند. این همان چیزی است که در مفصل‌بندی گفتمان کرونا توسط روحانی اتفاق افتاده است. در واقع، روحانی کشور را با دلالت‌های مثبت و دشمن را با دلالت‌های منفی پیوند داده است.

۱. یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا

۲. چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۸ در جلسه هیأت دولت

کنترل این بیماری هستیم و اضطراب آن‌چنانی نداریم و همه بخش‌های پزشکی آماده‌اند. الحمداله به هر بیمارستانی زنگ می‌زنیم و سؤال می‌کنیم هم تخت خالی و هم تخت در بخش آی.سی.یوی خالی دارد»^۱. دال بعدی، در اینجا، مربوط به دست‌کم گرفتن خطر کرونا است. بازگشت به زندگی عادی در مدت زمان کوتاه، برای روحانی، به معنای آن است که کرونا به آن اندازه که گفته می‌شود خطرناک نیست. بنابراین او قول می‌دهد که سبک زندگی مردم به زودی به وضعیت عادی باز خواهد گشت. در اینجا، ظاهراً پارادوکسی در گفتمان روحانی وجود دارد. روحانی قول می‌دهد که همه‌چیز به حالت عادی برمی‌گردد؛ در حالی که وی به عنوان یک دال مرکزی اظهار کرده بود اوضاع در ایران عادی است! ما در بخش وضعیت استثنایی بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد.

عبور از پیک، دال دیگری است که روحانی برای امیدبخشی به ایرانیان مفصل‌بندی کرده است. روحانی با استناد به آمار، بارها ادعا می‌کند که تعداد افراد بیمار کاهش یافته است. عبور از پیک، نزدیک به دال دیگری است که کاملاً با وحدت گره خورده است: کادر پزشکی. روحانی با مفصل‌بندی این دال، به طور کلی از آن‌ها تشکر کرده و بر تأمین نیازهای اساسی آن‌ها تأکید می‌کند. روحانی همچنین بر فداکاری کادر پزشکی نیز تأکید می‌کند. تأکید بر تأمین نیازهای اساسی کادر درمان، دالی نزدیک و همسو به دال مراقبت‌های بهداشتی و امکانات پزشکی است. فداکاری دالی است که کادر پزشکی را به طور مشخص‌تر، به وحدت پیوند می‌دهد. روحانی، فداکاری کادر درمان را عملی در راستای همبستگی آن‌ها با سایر ایرانیان تعبیر می‌کند. از نظر او، کادر پزشکی خود را فدا می‌کنند تا از نظام و وحدت آن حمایت کنند.

دال‌های دیگری نیز وجود دارند که در جایی بین وحدت، توانمندسازی و امیدبخشی قرار گرفته‌اند: رهبر، دولت و مردم. هر سه دال در گفتمان هژمون ایران دارای موقعیت تثبیت‌شده و اساسی هستند، اما در گفتمان روحانی حول محور کرونا آن‌ها مفاهیم جدیدی هستند که لزوماً معانی قدیم خود را ندارند. این دال‌ها چندوجهی هستند و بین سه دال مرکزی شناور هستند. روحانی ظاهراً از کرونا به عنوان نشانه‌ای برای تعریف مجدد این دال‌های مرکزی - در گفتمان هژمون - استفاده می‌کند. دال رهبر به آیت‌اله خامنه‌ای اشاره دارد. به عنوان رهبر ایران، او به طور ضمنی یک گره اصلی در گفتمان هژمون است. با این حال، روحانی در اینجا با رهبر به عنوان یک عنصر رفتار می‌کند تا آن را مجدداً مفصل‌بندی کند. این کار روحانی را احتمالاً به دو شکل می‌توان

کرد که احتمالاً لغو تعطیلات نوروزی ممکن بود به عنوان نشانه ضعف دولت تلقی شود. بنابراین روحانی می‌خواسته نشان دهد که این‌گونه نیست - دولت ضعیف نیست - و برعکس، اوضاع کاملاً عادی است. علاوه بر این، وقتی همه‌چیز عادی باشد، دلیلی برای اعتراض وجود ندارد. اعتراض، خود می‌تواند وحدت را خدشه‌دار کند. بنابراین دلیل دیگری که روحانی تلاش می‌کند وضعیت را عادی نشان دهد، این است که اجازه هیچ اعتراضی را ندهد. ما در این مورد در ادامه بیشتر صحبت خواهیم کرد.

روحانی برای تثبیت موقعیت دال عادی بودن شرایط، این دال را به سه دال مرتبط می‌سازد: قرنطینه نکردن، خطرناک نبودن کرونا و تداوم فعالیت‌های عمومی. روحانی، به ویژه در روزهای آغازین شیوع کرونا، اظهار داشت که اجازه نخواهد داد که کشور قرنطینه شود. این را می‌توان به همان دلایلی که وی با لغو تعطیلات نوروزی مخالف بود نیز نسبت داد. به عنوان مثال، وی تأکید می‌کند: «ما چیزی به نام قرنطینه اصلاً نداریم. همه در کسب‌وکار و فعالیت خود آزاد هستند. خدمات دولت هم به طور معمول به مردم خواهد رسید»^۱. وی برای اینکه نشان دهد همه‌چیز عادی است، بر خطرناک نبودن کرونا نیز تأکید می‌کند. او بارها تکرار می‌کند که ویروس کرونا خطرناکی نیست و نمی‌تواند آسیب جدی به مردم برساند. روحانی در یکی از سخنرانی‌های خود در ستاد ملی مقابله با کرونا تصریح می‌کند: «وقتی یک کسی مثبت شد مثلاً کسی نفهمد اشکال ندارد، کسی نفهمد میل خودش است، چیز مهمی نیست. این را باید به منزله آنفلوانزا بگیریم، در زمستان اگر مبتلا به آنفلوانزا شدیم مگر مخفی می‌کنیم. می‌گوییم آنفلوانزا داریم، ۲ روز سرکار نمی‌رویم و مراعات می‌کنیم»^۲. سرانجام، روحانی بر تداوم فعالیت‌های عمومی در ایران نیز تأکید می‌کند تا نشان دهد همه‌چیز خوب است. در همین راستا، وی به ویژه بر فعالیت‌های اقتصادی و آموزشی تمرکز داشته است.

امیدبخشی دال اصلی بعدی است که با کشور در ارتباط است. در ادامه مفصل‌بندی ایران (کشور) به عنوان کشوری متحد و قدرتمند که شرایط عادی دارد، روحانی دلیلی برای امیدوار نبودن نمی‌بیند. سه دال حول محور امید توسط روحانی مفصل‌بندی می‌شوند تا معنا و موقعیت آن را تثبیت کنند. کنترل کرونا با کمترین تلفات یکی از آن‌هاست که با دال مراقبت‌های بهداشتی و امکانات پزشکی ارتباط دارد. در واقع، روحانی استدلال می‌کند که کشور به اندازه کافی قدرتمند است تا با کمترین تلفات این ویروس را کنترل کند. وی این استدلال را با این کلمات مطرح می‌کند: «امروز بحمداله در مرحله

۱. چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۹ در جلسه هیأت دولت

۱. یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۸ در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا

۲. یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا

مردم هم باشد»^۲. به این ترتیب، روحانی از کرونا به عنوان دالی برای بازتولید گفتمانی از پیش موجود استفاده می‌کند که بر رابطه حسنه بین دولت و مردم تأکید دارد. روحانی با به کارگیری این دو دال اخیر، مردم را به عنوان دال بعدی در گفتمان خود حول محور کرونا، مفصل‌بندی می‌کند.

روحانی برای معنابخشی به مردم، بر مسئولیت اجتماعی مردم تأکید می‌کند. وی بارها خاطر نشان می‌کند که کنترل کرونا به همکاری مردم نیاز دارد و به نوعی مسئولیت اجتماعی آن‌هاست. وی در یکی از سخنرانی‌های خود به وضوح اظهار می‌کند: «همه بار، به یک معنا بر روی دوش خود مردم برمی‌گردد»^۳. حین بحث کردن درباره کنترل کرونا، روحانی دال مهمی را با متصل کردن مردم با امیدبخشی، مفصل‌بندی می‌کند. او تصریح می‌کند که پیروی از دستورالعمل‌های بهداشتی بر اجرای مراسم و مناسک مذهبی - به صورت جمعی که اغلب مستحب است - ارجحیت دارد. به ویژه زمانی که او در مورد بسته شدن زیارتگاه‌ها و مساجد صحبت می‌کند، بر این دال تأکید دارد. در ابتدای شیوع ویروس کرونا در کشور، برخی نیروهای تندرو و روحانیون عالی رتبه، از تصمیمات دولت در مورد بسته شدن اماکن مذهبی انتقاد کردند. با این حال، روحانی با تأکید بر اهمیت رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در کنترل ویروس سعی در مقابله با آن‌ها داشت. در عین حال، او تلاش می‌کرد تا تنش‌ها را با گفتن چنین جملاتی کاهش دهد: «این تفکر اشتباهی است که سلامت مردم، نیازهای اساسی آن‌ها، جهان، جهان دیگر، علم و مذهب را از یکدیگر جدا کنیم. آن‌ها جدا از همدیگر نیستند». این دال، همان‌طور که در بخش بعدی در مورد آن صحبت خواهیم کرد، به طور هم‌زمان با دال دفاع از دولت و وضعیت استثنایی نیز مرتبط می‌شود.

در نهایت، دال اقتصاد نقشی اساسی در گفتمان روحانی بازی می‌کند. او به طور مشخصی بر اهمیت فعالیت‌های اقتصادی و همچنین مشکلات اقتصادی تأکید می‌کند. نکته قابل توجه این است که اقتصاد در این گفتمان، برای روحانی، به اندازه دین اهمیت دارد. دین دال مرکزی مهمی در گفتمان هژمون است و این واقعیت نشان‌دهنده اهمیت اقتصاد در گفتمان رئیس‌جمهور حول محور کرونا است. روحانی به وضوح می‌گوید: «باید یک دست ما به سوی آسمان و دریافت رحمت از خداوند و یک دست ما هم به سوی کار و تلاش و فعالیت هم در زمینه سلامت جامعه و هم در زمینه معیشت جامعه باشد»^۴. بنابراین، فعالیت‌های اقتصادی از نظر روحانی، به اندازه دعا کردن مهم هستند. اقتصاد همچنین گره‌گاهی

توضیح داد. اول آنکه، روحانی ممکن است دلالت دال رهبر را با توجه به جایگاه تثبیت شده آن در گفتمان هژمون، بدیهی انگاشته باشد. به همین دلیل زیاد به آن نپرداخته و تنها در حد یک عنصر از این دال استفاده کرده است. دوم، در سال‌های اخیر، گهگاه اختلافاتی بین روحانی و رهبری بروز کرده است. بنابراین، استفاده از دال رهبر به عنوان دالی غیرمهم ممکن است منعکس کننده این اختلافات بوده باشد. به این ترتیب، روحانی احتمالاً می‌خواسته نشان دهد که دولت وی به اندازه کافی قدرتمند است تا بدون کمک رهبر، بحران را مدیریت کند. روحانی تنها یک‌بار بر اطلاعات از رهبری - که جایگاه ویژه‌ای در گفتمان هژمون دارد - تأکید کرده، در حالی که چندین بار تکرار می‌کند که رهبر از تصمیمات و عملکرد دولت حمایت می‌کند. به این ترتیب، روحانی از دال رهبر، صرفاً برای تثبیت موقعیت دولت خودش استفاده کرده و نه بیشتر. این گسست قابل توجهی نسبت به گفتمان هژمون نشان می‌دهد. علاوه بر پیوند دال دولت با حمایت رهبر، روحانی تلاش می‌کند معنای دولت را به چهار طریق تثبیت کند. اول، او فداکاری دولت را برجسته می‌کند. وی بارها و بارها خاطر نشان می‌کند که دولت وی تمام‌قد برای حل این بحران تلاش می‌کند. بر این اساس، روحانی تأکید می‌کند که او و وزرایش به تعطیلات نوروز نمی‌روند تا برای حل بحران تلاش کنند. دال فداکاری دولت، بیش از پیش دال دولت را به سمت دال مرکزی وحدت سوق می‌دهد. همچنین، روحانی از همه اقدامات دولت به طور کامل دفاع می‌کند. او تأکید می‌کند که تمام تصمیمات دولت درست بوده است. دفاع روحانی از اقدامات دولتش البته دووجهی است. از یک‌سو، روحانی از اقدامات اجرایی دولت دفاع کرده و از سوی دیگر، او از صداقت دولت دفاع می‌کند. این بخش از سخنان روحانی، در پاسخ به افرادی که از دولت به خاطر دست‌کاری آمار انتقاد می‌کنند، به روشنی این مسأله را نشان می‌دهد: «به هیچ عنوان آماری که وجود دارد، نه کم می‌کنیم نه زیاد می‌کنیم و نه بزرگ‌نمایی و نه کوچک‌نمایی می‌شود»^۱. این دال در تضاد با دشمن است و در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت. روحانی همچنین بر همبستگی دولت با مردم تأکید می‌کند. او استدلال می‌کند که هیچ فاصله‌ای بین دولت و مردم وجود ندارد. سرانجام، وی بر حمایت دولت از طبقه ضعیف (به عنوان مثال؛ فقیر، کارگر و غیره) و مشاغل آسیب دیده در بحران تأکید می‌کند. وی اظهار می‌دارد: «همان‌طور که دولت وظیفه دارد نگهبان سلامت مردم باشد، وظیفه دارد نگهبان کسب‌وکار مردم و زندگی و تأمین معیشت

^۱ یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا

^۲ چهارشنبه ۳ اردیبهشت در جلسه هیأت دولت

^۳ چهارشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۸ در جلسه هیأت دولت

^۴ چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۸ در جلسه هیأت دولت

تلاش می‌کند این تناقض را حل کند جالب توجه است. در واقع، هر زمانی روحانی می‌خواهد به کارهای بزرگ دولت خود اشاره کند و از فعالیت‌ها و تصمیمات خود دفاع کند، از وضعیت به عنوان وضعیت استثنایی یاد می‌کند. بنابراین، روحانی بین وضعیت استثنایی و دفاع از اقدامات دولت ارتباط برقرار می‌کند. روحانی همچنین هنگامی که قصد دفاع از بسته شدن اماکن مقدس را دارد، وضعیت استثنایی و اولویت دستورالعمل‌های پزشکی نسبت به اجرای احکام مذهبی را به هم مرتبط ساخته و آن‌ها را یادآور می‌شود. او اقدامات دولت خود در بستن اماکن مذهبی را با تأکید بر استثنایی بودن شرایط برای تندرورها و مخالفان تشریح می‌کند. در نقطه مقابل، زمانی که روحانی می‌خواهد بر توانمندسازی کشور تأکید کند، ادعا می‌کند که وضعیت عادی است. از دیدگاه روحانی، درست است که اوضاع استثنایی است، اما دولت و کشور به اندازه کافی قدرتمند و توانمند هستند که بتواند بحران را مدیریت کرده و همه چیز را عادی نگه دارند. در اینجا، روحانی وضعیت استثنایی را به عادی بودن شرایط و توانمندسازی به طور هم‌زمان پیوند می‌دهد.

در حین مفصل‌بندی وضعیت استثنایی، دال مهم دیگری ظاهر می‌شود: معضل جهانی. این دال نقش مهمی در تثبیت موقعیت وضعیت استثنایی دارد. روحانی بیان می‌کند که کرونا مشکلی نیست که فقط مختص ایران باشد. وی تأکید می‌کند که کرونا یک مسأله جهانی است و حتی فراتر از این، وی بر ناتوانی سایر کشورها در مدیریت این بحران تأکید می‌کند. در اینجا، وضعیت استثنایی با دشمن متصل می‌شود. به همین ترتیب، وضعیت استثنایی از طریق دال معضل جهانی با توانمندی کشور ارتباط پیدا می‌کند. روحانی تأکید می‌کند که در حالی که سایر کشورها، به ویژه کشورهای غربی، قادر به مدیریت بحران نیستند، ایران در این زمینه بسیار قدرتمند و موفق عمل کرده است. بنابراین، طبق ادعای روحانی در حالی که اوضاع در بسیاری از کشورها بحرانی بوده، همه چیز در ایران تحت کنترل بوده است. به این ترتیب، روحانی نه تنها تناقض بین وضعیت استثنایی و عادی بودن شرایط را برطرف می‌کند، بلکه از وضعیت استثنایی برای تثبیت موقعیت توانمند بودن کشور بیشتر و بیشتر استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، وضعیت استثنایی در اینجا دو عملکرد دارد. اول، توجیه تصمیمات دولت و برجسته‌سازی توانمندی آن و دوم نشان دادن ناتوانی سایر کشورها.

وضعیت استثنایی همچنین با امیدبخشی و اقتصاد پیوند دارد. روحانی ادعا می‌کند در حالی که شرایط در کشورهای دیگر بحرانی است، ایران به قدر کافی قوی بوده تا شرایط را در حالت عادی نگه دارد. بنابراین، وی تأکید می‌کند که مردم باید به مدیریت بحران با

است که هم دال‌های تحت‌گره مرکزی کشور را به هم پیوند می‌دهد و هم در نهایت دال کشور را با دال‌های دیگر مرتبط می‌سازد. به عنوان مثال، تأکید روحانی بر تداوم فعالیت‌های اقتصادی به طور ضمنی اقتصاد را به عادی بودن شرایط متصل می‌سازد. به این معنا، اقتصاد نقش مهمی در عادی نگاه داشتن شرایط ایفا می‌کند. احتمالاً به همین دلیل است که روحانی اقتصاد را به عنوان یکی از دال‌های اصلی مفصل‌بندی کرده است. روحانی با اشاره به مشکلات اقتصادی در دوره کرونا، این دال را با دولت از طریق تأکید بر حمایت دولت از اقشار آسیب‌دیده پیوند می‌دهد. در حالی که تمرکز روحانی بر مشکلات اقتصادی بوده، اما تاحدی به مشکلات غیر اقتصادی نیز توجه نشان می‌دهد. از بین مشکلات غیر اقتصادی، روحانی عمدتاً بر مشکلات مذهبی ناشی از کرونا و تغییر در سبک زندگی مردم تأکید کرده است. روحانی با مفصل‌بندی مصائب کرونا، این دال را با بازگشت به زندگی عادی در کوتاه‌مدت و اولویت دستورالعمل‌های پزشکی نسبت به اجرای احکام مذهبی مرتبط می‌کند. بنابراین، روحانی به طور ضمنی اذعان می‌کند که مشکلات مختلفی، به ویژه مسائل مذهبی، بر اثر کرونا به وجود آمده است، اما او تأکید می‌کند که این مسائل به زودی حل می‌گردد. این جملات روحانی، این موضوع را تأیید می‌کند: «این دوران می‌گذرد و باز هم زندگی عادی بعد از این ایام خواهیم داشت، باز هم کنار هم خواهیم بود، باز هم سبک زندگی مان به گذشته برمی‌گردد، باز هم شرایطی پیش می‌آید که به اماکن متبرکه خواهیم رفت و آنجا با خداوند راز و نیاز می‌کنیم»^۱.

همان‌طور که دیدیم، کشور پیچیده‌ترین و وسیع‌ترین دال مرکزی است. در بخش‌های بعدی، دال‌های مرکزی دیگری را بررسی خواهیم کرد تا بدانیم روحانی چگونه تلاش می‌کند شبکه معانی را پیرامون کرونا تثبیت کند.

وضعیت استثنایی: جایی که کشور و دشمن با هم ملاقات می‌کنند. در حالی که وضعیت استثنایی در گفتمان روحانی به معنای کامل آن با مفهوم‌پردازی آگامبن مطابقت ندارد، ما از این اصطلاح برای بررسی دال مرکزی دیگری در این گفتمان استفاده می‌کنیم. وضعیت استثنایی، کشور و دشمن را به هم وصل می‌کند، زیرا این دال با دال‌های اصلی هر دو گره اصلی - هم کشور و هم دشمن - مرتبط شده است.

نکته اولی که باید به آن پردازیم این است که در گفتمان روحانی حول محور کرونا، وضعیت استثنایی ماهیتی پارادوکسیکال دارد، زیرا ظاهراً در نقطه مقابل دال عادی بودن شرایط است. با این وجود، هر دو دال در گفتمان روحانی مفصل‌بندی شده‌اند. شیوه‌ای که روحانی

۱. چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۸ در جلسه هیأت دولت

با تأکید بر اینکه قرنطینه کردن کشور همان چیزی است که دشمن می‌خواهد و برای آن تلاش می‌کند، دو دال قرنطینه نکردن و خواست دشمن را به هم پیوند می‌دهد. در حقیقت، او قرنطینه را نشانه ضعف در برابر دشمن تفسیر می‌کند. روحانی در مورد تداوم فعالیت‌های اقتصادی نیز نظری مشابه داشته است. وی تصریح می‌کند که متوقف کردن فعالیت‌های اقتصادی، خواست دشمن است، بنابراین نمی‌تواند اجازه دهد که چنین چیزی اتفاق بیفتد. وی فراتر از این مسأله اظهار می‌کند که قرنطینه کردن و متوقف کردن فعالیت‌های اقتصادی توطئه دشمنان برای تضعیف کشور هستند. او، در اینجا، از خواست دشمن به عنوان نشانه‌ای دال بر وضعیت استثنایی برای توجیه تصمیمات و فعالیت‌های دولت خود استفاده می‌کند.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، روحانی زمانی که ادعا می‌کند سایر کشورها به دلیل کرونا از هم پاشیدند و ایران در مبارزه با این ویروس متحدتر شده است، دشمن را با وحدت مرتبط می‌کند. در اینجا، روحانی مکرراً از ایالات متحده، به عنوان دشمن، یاد می‌کند؛ اما دشمن برای او محدود به این کشور نیست. وی همچنین بر دروغ‌گویی دشمن نیز تأکید می‌کند. روحانی به طور مشخص، دروغ‌گویی دشمن را با تحریم مرتبط می‌سازد: «متأسفانه آن‌هایی که حتی دارو و مواد غذایی را به روی مردم بستند و تحریم کردند، خبیثانه‌ترین اقدام را علیه ملت ایران در این ۲ سال انجام دادند؛ آن‌ها هم آمدند با یک ماسک دلسوزی ظاهر شدند که ما هم می‌خواهیم به ملت ایران کمک کنیم؛ شما اگر واقعاً راست می‌گویید لاقلاً تحریم دارو را بردارید»^۱. دشمن در گفت‌وگو با رئیس‌جمهور حول محور کرونا هویتی ضعیف، تکه‌تکه شده و دروغ‌گو دارد؛ در حالی که کشور توانمند، صادق و متحد است. به این ترتیب، روحانی برخی از جنبه‌های خاص گفت‌وگو هژمون در ایران را بازتولید کرده است. دشمن در گفت‌وگو روحانی، محدود به کشورهای خارجی (به ویژه: ایالات متحده) نیست. هر کس با تصمیمات دولت مخالف باشد و از عملکرد آن‌ها انتقاد کند، دشمن شمرده می‌شود. بنابراین حمله به منتقدین، به عنوان یک دال مهم مفصل‌بندی شده است. اینجا نیز موضع دیگری برای نزاع بر سر معنای کرونا است. روحانی حمله به منتقدین را با وحدت مرتبط می‌کند: «ببینید به چه راحتی امروز همه یکپارچه شدیم. البته یکپارچه بودیم؛ گاهی وقت‌ها بعضی‌ها این یکپارچگی را یک کم فاصله می‌اندازند و تضعیف می‌کنند»^۲. روحانی همچنین به منتقدین خود، به عنوان دروغ‌گوهایی که از طرف دشمنان خارجی حمایت و مدیریت می‌شوند، حمله کرده و می‌گوید آن‌ها کسانی هستند که در

کمترین میزان تلفات و بازگشت به زندگی عادی امیدوار باشند. در اینجا وی با تأکید بر اینکه مردم به طور کامل به دولت اعتماد دارند، بر همبستگی مردم با دولت تأکید می‌کند. او همچنین مسائل اقتصادی و غیراقتصادی را با وضعیت استثنایی مرتبط می‌کند. وی خاطر نشان می‌کند که همه مشکلات از کرونا به عنوان یک مسأله جهانی ناشی شده‌اند و این مشکلات ربطی به دولت و تصمیماتش ندارند. وی با مفصل‌بندی معضل جهانی، وحدت و توانمندسازی، ادعا می‌کند که با وجود این مسائل، ایران به اندازه کافی قدرتمند است که بتواند از این بحران جان سالم به در ببرد. از این‌رو، روحانی در کشمکش با گفتمان‌های رقیب، در حالی که سعی در تثبیت موقعیت کشورهای دیگر به عنوان دشمنانی ضعیف دارد، تلاش می‌کند از کرونا برای تثبیت موقعیت کشور به عنوان کشوری قدرتمند، متحد و توانمند استفاده کند. در این مرحله، کرونا تقریباً دال شناوری بود که روحانی سعی داشت قبل از گفتمان‌های رقیب، آن را در گفتمان موردنظر خود مفصل‌بندی کند.

دشمن: از ایالات متحده تا منتقدین داخلی

دشمن، به طور مستقیم و غیرمستقیم، توسط وضعیت استثنایی به کشور مرتبط می‌شود. در حقیقت، اگرچه دشمن به اندازه کشور گسترده و پیچیده نیست؛ اما کشور، به وسیله متمایز و مقایسه شدن با دشمن، معنا پیدا می‌کند. از این نظر، دشمن نقش اساسی در ساختار گفتمان روحانی حول محور کرونا ایفا می‌کند. روحانی با تمرکز بر توانایی ایران و ناتوانی سایر کشورها در کنترل کرونا، کشور و دشمن را به هم مرتبط ساخته بود. ضمن متصل کردن این دو دال، دال دیگری نیز پدیدار می‌گردد: تحریم‌ها. روحانی این دال را برای تأکید بر قدرت ایران و نیز تثبیت موقعیت متضاد دال دشمن به شیوه‌ای دقیق‌تر، مفصل‌بندی کرده است. وی تصریح می‌کند که علی‌رغم شدت تحریم‌ها و این واقعیت که وضعیت استثنایی است، کشور تا حد زیادی توانایی مدیریت بحران را دارد: «در مخیله دشمنان هم خطور نمی‌کرد که یک روزی برسد ایرانی که تحت فشار شدید دو ساله تحریم بوده و فکر می‌کردند استخوان‌های ما هم خرد شده و دیگر نمی‌توانیم تکان بخوریم؛ در مقابله با بیماری کرونا بهتر و قوی‌تر از آن‌ها برخورد کنیم»^۱. در اینجا، روحانی با وضوح بیشتر دشمن را با تحریم‌ها و توانمندی کشور مرتبط می‌کند، ارتباطی که از طریق دال وضعیت استثنایی میانجی‌گری می‌شود.

علاوه بر این، روحانی با مفصل‌بندی خواست دشمن، دو دال کشور و دشمن را به طرز مشخص‌تری به هم متصل می‌کند. به ویژه، وی

۱. آشنه ۹ فروردین ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مقابله با بیماری کرونا

۱. یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا

۲. چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۸ در جلسه هیأت دولت

زنجیره تفاوت‌ها عمل می‌کنند. روحانی عمدتاً از آن‌ها در جهت مفصل‌بندی کشور و دشمن، به عنوان دال‌های متخاصم استفاده کرده است. در اینجا، او به برخی از جفت‌های متمایزکننده مانند قوی/ضعیف، صادق/دروغ‌گو، متحد/متفرق و مهربان/ظالم، توجه جدی داشته است. به عنوان مثال، وی می‌گوید: «خدا را شاکریم که جزو آن کشورهایی نیستیم که مریض‌های ما در پیاده‌رو و در چمن بیرون بیمارستان روی زمین افتاده باشند»^۳. در این حالت، او با مقایسه توانمندی ایران با ناتوانی کشورهای دیگر، «ما» را از «آن‌ها» جدا می‌کند.

روحانی همچنین از استعاره‌های مختلفی در زنجیره هم‌ارزی استفاده کرده است. نخست، او صحنه مدیریت بحران را به عنوان میدان نبرد می‌بیند. او استعاره‌های مختلفی را به کار می‌گیرد تا صحنه را به این ترتیب تصویر کند. خط مقدم، سربازان سلامت، شهید خدمت، فرماندهی، پیروزی، روحیه مقاومت، جهاد و نبرد برخی از این استعاره‌ها هستند. استفاده از ادبیات جنگی، راهی برای هموار کردن مسیر برای مفصل‌بندی کشور در مقابل دشمن نیز هست. علاوه بر این، روحانی از استعاره سلاح دشمن برای کرونا نیز استفاده می‌کند. به این ترتیب، او خواسته دشمن را با قرنطینه نکردن و تداوم فعالیت‌های اقتصادی پیوند می‌دهد. وی تصریح می‌کند: «دشمن قصد داشت از کرونا به عنوان سلاح علیه کشور استفاده کند و ایران را با مجبور کردن به قرنطینه کشور و متوقف کردن فعالیت‌های اقتصادی ضعیف کند»^۴. به این معنا، کرونا توطئه دشمن برای تهدید توانمندی و روال عادی کشور است.

علاوه بر سلاح دشمن خواندن کرونا، روحانی این ویروس را به خود دشمن نیز تشبیه می‌کند. او همین کار را برای تحریم‌ها نیز انجام می‌دهد. از نظر وی، دشمن و تحریم‌ها مانند کرونا آسیب‌زا، خطرناک و آزاردهنده هستند. وی حتی فراتر رفته، ادعا می‌کند که دشمن ویروسی خطرناک‌تر از کرونا است. وی سعی می‌کند تا حد امکان نشانه‌های منفی را به دشمن و دال‌های مرتبط به آن نسبت دهد. روحانی همچنین با تشبیه کرونا به دشمن، سیاست خارجی ایران را در جنگ با ایالات متحده و سایر کشورها (غربی) به عنوان دشمنان توجیه می‌کند. روحانی با استفاده توأمان از زبان استعاری و کردارهای تشبیهی، دشمن را به چیزی شبیه کرونا بدل می‌کند. همان‌طور که ما باید با کرونا مبارزه کنیم، باید با دشمن نیز بجنگیم تا آن را شکست دهیم.

روحانی همچنین با استفاده از کنایه، حمله به منتقدین، اطلاع‌رسانی صداقانه و برخورد خشونت‌آمیز را به هم مرتبط می‌سازد. به عنوان

اطلاع‌رسانی صادق نیستند. این دشمنان امیدبخشی و توانمندی را تهدید می‌کنند؛ چراکه آن‌ها نقص‌ها را برجسته می‌کنند و اقدامات دولت را به چالش می‌کشند. «ملت بزرگ ما در این روزها پاسخ بسیار قاطعی به همه یاوه‌گویی‌های داد که ماه‌ها در رسانه‌های خودشان، رسانه‌های بیگانه، ماهواره‌ها و فضای مجازی تبلیغ می‌کردند که ملت ایران خسته شده، عقب‌نشینی کرده و نشاط ندارد و دولت و نظام ایران کارآمدی ندارد»^۱. با چنین حملاتی، روحانی رسانه‌ها و اینترنت را به عنوان محلی برای انتشار اخبار و اطلاعات نادرست مفصل‌بندی می‌کند. در نقطه مقابل، وی بارها از صداوسیما به عنوان الگوی مطلوب اطلاع‌رسانی خود نام می‌برد.

روحانی ضمن همبسته کردن حمله به منتقدین با وضعیت استثنایی، دال دیگری را مفصل‌بندی می‌کند: برخورد خشن. در همین راستا، روحانی از نیروهای امنیتی و پلیس درخواست می‌کند با افرادی که شایعه منتشر می‌کنند و اقدامات دولت را در این وضعیت استثنایی به چالش می‌کشند، مقابله کنند. بنابراین، گاهی استفاده از وضعیت استثنایی بهانه‌ای برای سرکوب منتقدین می‌شود. روحانی تأکید می‌کند: «رسانه‌های ماهواره‌ای به اندازه کافی هستند برای اینکه دروغ بگویند و نقایص را بزرگ کنند دیگر نیاز به این داخلی‌ها نیست»^۲. برخورد خشونت‌آمیز فقط با حمله به منتقدین مرتبط نیست، بلکه روحانی از پلیس می‌خواهد تا با کسانی که با احتکار ضروریات اولیه و دارویی سعی در سوء استفاده از موقعیت دارند، برخورد کند. در اینجا برخورد خشن به اقتصاد، تهیه وسایل ضروری برای مردم و دفاع از اقدامات دولت متصل می‌شود.

گره مرکزی دشمن تمام دال‌های مرکزی و دال‌های اصلی را در یک شبکه معنایی به هم پیوند می‌دهد. به طور خاص، روحانی دشمن را به عنوان چیزی که تمامیت هویت کشور به عنوان یک گره اصلی را تهدید می‌کند، مفصل‌بندی کرده است. به این ترتیب، گفتمان وی حول محور کرونا به ساختار کلی گفتمان غالب در ایران شباهت دارد.

شیوه‌های بلاغی: کرونا به مثابه دشمن

تا اینجا، در مورد گره‌های مرکزی و دال‌های اصلی بحث و روابط آن‌ها را در گفتمان رئیس جمهور حول محور کرونا تحلیل کردیم. در این بخش، شیوه‌های بلاغی را تحلیل خواهیم کرد تا مشخص شود روحانی چگونه این دال‌ها را با یکدیگر متصل کرده و ارتباط بین آن‌ها را شکل داده است.

در بخش‌های قبلی، به طور ضمنی در مورد طرد و مقایسه صحبت کردیم. این شیوه‌های بلاغی، از نظر (لاکلا و موف، ۲۰۰۱)، در

^۳ شنبه ۹ فروردین ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مقابله با بیماری کرونا

^۴ چهارشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۸ در جلسه هیأت دولت

^۱ چهارشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۹۹ در جلسه هیأت دولت

^۲ چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ در جلسه هیأت دولت

تقوا یاد می‌کند. روحانی تصریح می‌کند: «حالا چگونه باید از این کرونا پرهیز کنیم؟ راهش تقوا است. همان طوری که در اسلام راه قدرت و سلامت انسان، تقوا و پرهیز و فاصله گرفتن از گناه و تخلفات الهی است اینجا هم راهش این است که از همه چیزهایی که می‌تواند ما را مبتلا کند، فاصله بگیریم»^۲.

در نهایت باید اشاره کرد که روحانی برای تثبیت گفتمان خود حول محور کرونا از لحن دستوری بهره می‌برد. او اغلب از افعال کمکی دستوری مانند باید استفاده می‌کند. با استفاده از زبان دستوری، روحانی تلاش می‌کند نشان دهد که دولت برای مدیریت بحران قدرت و توان کافی را دارد. مثلاً، وی دستور می‌دهد: مردم باید به دولت اعتماد کنند! علاوه بر این، وی برخورد خشونت‌آمیز را با استفاده از این لحن برجسته می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که روحانی صحنه مبارزه با کرونا را با استفاده از شیوه‌های رتوریک و لحن دستوری و شرعی متناسب با شرایط جنگ، به عنوان میدان نبرد تصویر می‌کند. بدین‌سان، او گفتمان خود حول محور کرونا را به عنوان یک گفتمان خصمانه که از نزاع بین کشور و دشمن شکل گرفته مفصل‌بندی می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ما چگونگی مفصل‌بندی گفتمانی سیاسی و خصمانه پیرامون نشانه کرونا در سخنرانی‌های روحانی را بر اساس نظریه لاکلا و موف تحلیل کردیم. تحقیقات گذشته در این حوزه عمدتاً بر سخنرانی‌های سیاستمداران در جریان اتفاقات اجتماعی - سیاسی متمرکز بوده است. با این حال، شیوع کرونا فرصتی بی‌سابقه برای تجزیه و تحلیل گفتمان‌های سیاستمداران در طول همه‌گیری‌ها فراهم آورده است. ما با این تحقیق ادبیات موجود در حوزه تحلیل گفتمان سخنرانی‌های رؤسای جمهوری ایران را به روز کرده و بسط دادیم. در حالی که ادبیات موجود، چنین گفتمان‌هایی را به روشی کلی تجزیه و تحلیل کرده و عمدتاً محدود به شناسایی دال‌های اصلی بوده‌اند، ما درک دقیق‌تری از گره‌های کلیدی و همچنین شیوه‌های بلاغی که روحانی برای مفصل‌بندی گفتمان خود حول محور کرونا استفاده کرده است، ارائه داده‌ایم. بنابراین، این تحقیق هم به تولید دانش درباره سخنرانی‌های سیاستمداران در دوران بیماری‌های فراگیر کمک می‌کند و هم به ادبیات موجود در حوزه تحلیل گفتمان سخنان سیاستمداران ایرانی.

بر اساس ساختار گفتمان روحانی حول محور کرونا که از مفصل‌بندی کشور، دشمن و وضعیت استثنایی حاصل شده است؛ این گفتمان در برخی موارد شبیه گفتمان هژمون در ایران است. در

مثال، روحانی به منتقدین به عنوان افرادی خردمند که سخت در تلاش‌اند تا با تمرکز بر نقاط ضعف مچ‌گیری کنند، حمله می‌کند. از آنجا که این صحنه، میدان نبرد است و کرونا و دشمن برای آسیب رساندن به ایران متحد شده‌اند، هیچ دلیلی وجود ندارد که منتقدین چیزی بگویند. وقتی انتقاد کردند، روحانی به صورت طعنه‌آمیزی آن‌ها را «فاضل» خطاب می‌کند تا نشان دهد از نظر او آن‌ها احمق هستند. او همچنین هرگونه انتقاد را به مچ‌گیری تعبیر می‌کند. روحانی از عبارات طعنه‌آمیز دیگری نیز برای حمایت از این منطق استفاده کرده است، مانند نسخه پیچیدن برای کشور. علاوه بر این، او از تعبیر ماسک دلسوزی استفاده می‌کند تا نشان دهد منتقدان در استدلال‌های خود صادق نیستند و دلسوزی آن‌ها ریاکارانه است.

روحانی از این شیوه‌های بلاغی برای تثبیت بیشتر روابط خصمانه بین کشور و دشمن نیز بهره می‌برد. کنایه، کردار بعدی است که روحانی استفاده می‌کند. هرزمانی که یک عبارت کنایی، دارای معنایی ضمنی مثبت است، روحانی از آن برای اشاره به کشور استفاده می‌کند و بالعکس. به عنوان مثال، او عبارت «به صحنه آمدن» را که عبارتی آشنا در ادبیات رسمی سیاستمداران ایرانی است، برای تأکید بر همکاری مردم استفاده می‌کند. او همچنین از عبارت «وقف زندگی» برای اشاره به فداکاری کادر پزشکی و همچنین سخت‌کوشی تولیدکنندگان در شرایط سخت کرونا استفاده می‌کند.

جان‌بخشی کردار دیگری است که روحانی به وسیله آن، معانی موردنظر خود را بر کرونا تحمیل می‌کند. او گاهی درباره کرونا به عنوان یک انسان صحبت می‌کند که می‌تواند تصمیم بگیرد، حرف بزند و هدف داشته باشد. با تشبیه دشمن به کرونا؛ روحانی این‌گونه می‌گوید: «ابرقدرت‌ها مثل ویروس کرونا پررو هستند اگر در برابر آن‌ها خودتان را ببازید پررو می‌شوند اما اگر با نشاط بایستید، در می‌روند»^۱. این‌گونه، او مجدداً ساختار خصمانه گفتمان خود حول محور کرونا را تقویت می‌کند.

روحانی همچنین در ترکیب با این کردارها، از اصطلاحات شرعی نیز استفاده می‌کند. با توجه به اینکه ایران کشوری مذهبی است، روحانی تلاش می‌کند این‌گونه ایده‌ها و استدلال‌های خود را جا انداخته و توجیه کند. وی علاوه بر نقل بخش‌هایی از قرآن، از واجب، مستحب و مکروه به عنوان سه اصطلاح شرعی رایج برای اشاره به اقداماتی که در دوران کرونا باید انجام شود استفاده می‌کند. به عنوان مثال، وی می‌گوید که ادامه فعالیت‌های اقتصادی واجب است. وی همچنین به انجام دستورالعمل‌های بهداشتی به عنوان حق‌الناس اشاره می‌کند. علاوه بر این، وی از کرونا به عنوان آزمایش الهی نام می‌برد. او همچنین از فاصله اجتماعی به عنوان

^۲. یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا

^۱. یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا

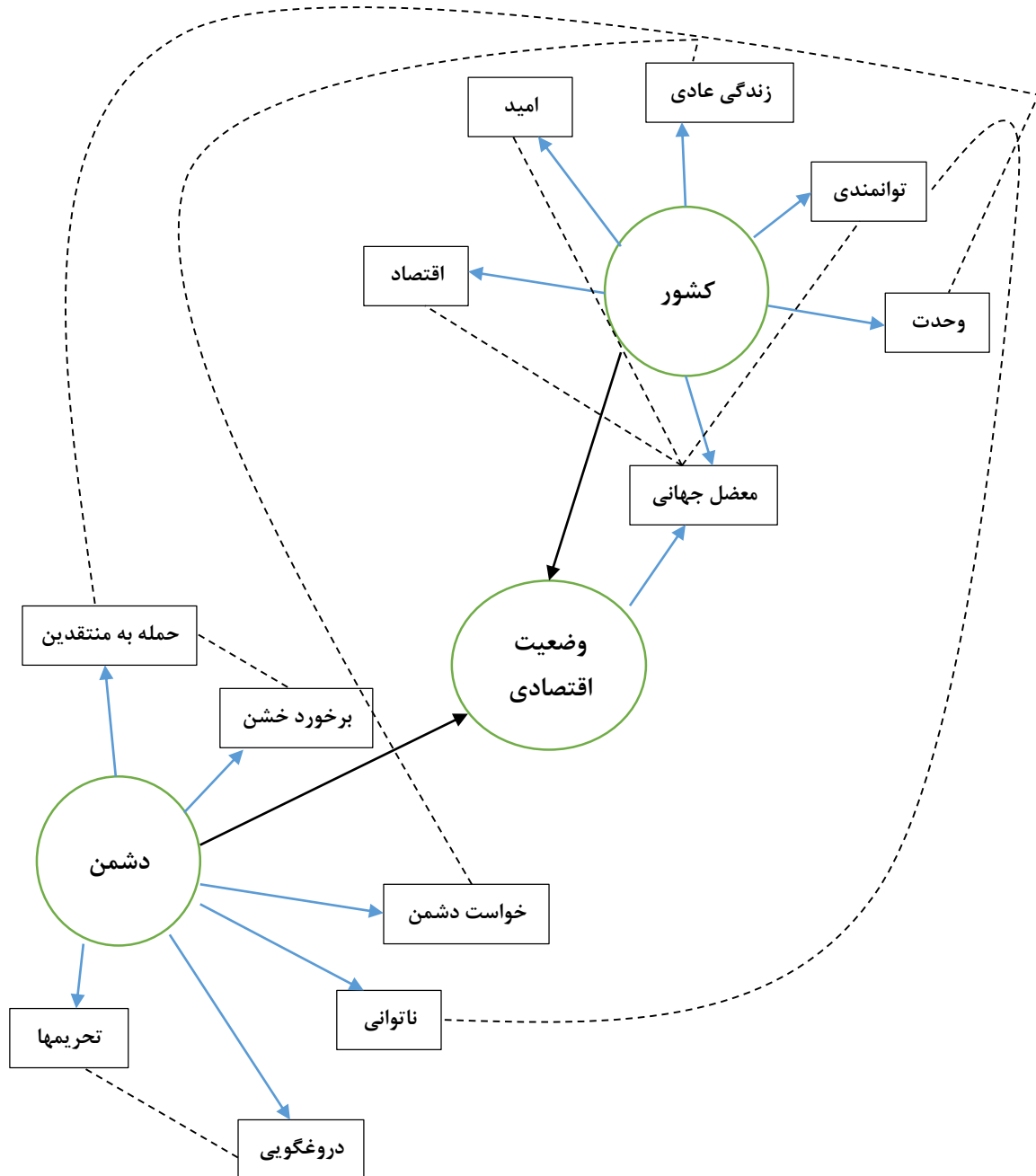
کرده و هم معانی جدیدی را تولید کند. در واقع ما تحلیل کردیم که چگونه کرونا به یک گره مرکزی تبدیل می‌شود، کدام نشانه‌ها بکار گرفته می‌شوند تا به کرونا به عنوان یک دال تهی معنا ببخشند و در نهایت، چگونه شبکه معانی پیرامون نشانه کرونا مفصل‌بندی شده است. ما نسبت گفتمان کرونا با گفتمان هژمون در ایران را نیز مشخص کردیم. این تحقیق می‌تواند با تحقیق‌های بعدی که گفتمان‌های سیاست‌مداران در کشورهای دیگر را در مورد کرونا تحلیل می‌کند دنبال شود. همچنین این تحقیقات می‌تواند مشخص کند که گفتمان‌های شکل گرفته در بین سیاست‌مداران در ساختارهای سیاسی مختلف چه تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. تحقیق حاضر، مبنایی مناسب برای چنین پژوهش‌هایی فراهم می‌کند.

گفتمان رسمی، ایالات متحده به طور سنتی دشمن بزرگی شمرده می‌شود که کشور باید برای مبارزه با آن متحد شود. به این معنا، سیاست‌مداران ایران در زمان‌های مختلف اوضاع کشور را «شرایط حساس کنونی» توصیف می‌کنند. روحانی علاوه بر ایالات متحده و سایر کشورهای خارجی، کرونا را هم دشمن و هم اسلحه دشمن می‌داند. در اینجا روحانی اوضاع را به عنوان وضعیت جنگی توصیف می‌کند. با چنین برداشتی از وضعیت، او به منتقدین حمله کرده و از لحنی استعاری و دستوری استفاده می‌کند تا گفتمان مدنظر خود را تثبیت کند. وی همچنین بر توانمندی کشور و ناتوانی دشمن در مواجهه با بحران کرونا، برای امیدبخشی به مردم تأکید می‌کند. روحانی همچنین برخی از گفتمان‌های موجود در مورد دولت خودش را نیز بازتولید می‌کند. تأکید وی بر همستگی دولت و مردم نیز در همین راستا شایان توجه است. به نظر می‌رسد که وی تلاش داشته تا پیوندهای خود را با سازمان‌های وابسته به نظام تقویت کند، در عین حال روحانی نگران افکار عمومی نیز بوده است. روحانی با مفصل‌بندی وحدت، تلاش می‌کند این مشکل را حل کند. علاوه بر این، گفتمان رئیس جمهور حول محور کرونا از جهاتی از گفتمان هژمون فاصله می‌گیرد. تقدم اولویت‌های بهداشتی بر مسائل شرعی - خصوصاً امور مستحب و جمعی مانند رفتن به زیارت‌گاه‌ها - دالی است که کشمکش بین گفتمان هژمون و کرونا در آنجا اتفاق می‌افتد. علی‌رغم تأکید مقامات مذهبی بر مسائل شرعی، روحانی بر اولویت دستورالعمل‌های بهداشتی تأکید می‌کند. بدین معنا، بستن مکان‌های مقدس از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود.

به هر حال، گفتمان کرونا در سخنرانی‌های روحانی یک گفتمان خصمانه متکی بر ضدیت بین کشور و دشمن است. جالب اینجاست که دال‌های پزشکی زیادی در این گفتمان وجود ندارد. روحانی حتی زمانی که می‌خواسته چنین دال‌هایی را مفصل‌بندی کند، از مثال‌ها و اصطلاحات شرعی بهره برده است. این دال‌های خصمانه، توسط وضعیت استثنایی به هم متصل شده‌اند. شیوه کار روحانی هم به این صورت بوده است که هنگامی که می‌خواسته بر توانمندسازی کشور تأکید کند، از تصمیمات و اقدامات دولت خود دفاع کند، یا به منتقدین خود حمله کرده و از ناتوانی کشورهای دیگر انتقاد کند، بر استثنایی بودن وضعیت تأکید می‌کرده است. نتایج تحقیق همچنین توضیح می‌دهد که روحانی چگونه تمام این دال‌ها را به صورت بلاغی درهم تنیده است.

این مقاله تلاش کرد نشان دهد چگونه یک سیاست‌مدار در زمان همه‌گیری بیماری کرونا، گفتمانی را حول این نشانه مفصل‌بندی کرده است. تحلیل‌های ما بر این متمرکز بود که چگونه کرونا به عنوان دالی تهی بکار گرفته می‌شود تا هم معانی موجود را باز تولید

شکل ۱- گره‌گاه‌های مرکزی و دال‌های کلیدی در گفتمان روحانی حول محور کرونا



فهرست منابع

- discourse analysis of Thai PM's political speeches aired on the TV programme returning happiness to the people", *Open Linguistics*, Vol. 3(1), PP. 638-655. doi: 10.1515/opli-2017-0032.
- Chung Joo, Chung. & Han Woo, Park. (2010). "Textual analysis of a political message: the inaugural addresses of two Korean presidents", *Social Science Information*, Vol. 49(2), PP. 215-239. doi: 10.1177/0539018409359370.
- Coronavirus disease 2019 (COVID-19) situation summary (2020). Available at: <https://www.cdc.gov/coronavirus/2019-ncov/summary.html>.
- Daghrir, D.W. (2013). "Binary Discourse in U.S. Presidential Speeches from FDR to Bush II", *IOSR Journal of Applied Physics*, Vol. 5(2), PP. 25-36. doi: 10.9790/4861-0522536.
- DeLuca, K. (1999). "Articulation Theory: A Discursive Grounding for Rhetorical Practice", *Philosophy and Rhetoric*, Vol. 32(4), PP. 334-348. doi: Article.
- Van Dijk, T.A. (1997). "What is Political Discourse Analysis?", *Belgian Journal of Linguistics*, Vol. 11, PP. 11-52. doi: 10.1075/bjl.11.03dij.
- Everett, J.A. & et al. (2020). "The effectiveness of moral messages on public health behavioral intentions during the COVID-19 pandemic", *PsyArXiv*. doi: 10.31234/osf.io/9yqs8.
- Finlayson, A. (2012). "Rhetoric and the Political Theory of Ideologies", *Political Studies*, Vol. 60(4), PP. 751-767. doi: 10.1111/j.1467-9248.2012.00948.x.
- Foucault, M. (1965). "Madness and Civilisation: A History of Insanity in the Age of Reason", London: Routledge.
- Foucault, M. (2010). "Archaeology of Knowledge and the Discourse on Language", New York: Vintage Books.
- Frischlich, L. (2020). "Differential Susceptibility for Distorted Information during the COVID-19 pandemic", Available at: <https://wprn.org/item/423752>.
- Golkar, S. (2012). "Cultural Engineering
- انصاریان، شادی؛ داوری اردکانی، نگار. و بامشادی، پارسا. (۱۳۹۸). "واکاوی سخنرانی حسن روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۶ با رویکرد تحلیل گفتمان پل جی"، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، دوره ۲، شماره ۶، صص. ۶۹-۸۳.
- جهانگیری، جهانگیر. و فتاحی، سجاد. (۱۳۹۰). "تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم"، مطالعات اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۵).
- قائد رحمتی، صفر. (۱۳۹۸). "تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف؛ تفسیر متون تولید شده رسانه‌ای وضعیت گردشگری پساکروناوی ایران"، پژوهش گردشگری، دوره ۲، شماره ۱، صص. ۱-۱۱.
- کیوانی، کیواندخت. (۱۳۹۱). "تحلیل گفتمان سخنرانی‌های محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل طی سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ با رویکرد دیپلماسی عمومی"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.
- یل شرز، رضا. و منصفی، رویا. (۱۳۹۹ الف). "بررسی چگونگی مواجهه گفتمانی وزارت بهداشت ایران با شیوع ویروس کرونا به مدد مدل تحلیل گفتمان فرکلاف (۱۹۸۹)"، پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص. ۱۵۳-۱۷۶.
- یل شرز، رضا. و منصفی، رویا. (۱۳۹۹ ب). "بیماری «کووید-۱۹» یا «ویروس چینی»؟ تحلیل انتقادی گفتمان برتری جویانه غرب علیه شرق"، زبان پژوهی، پذیرفته شده انتشار آنلاین از تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۹۹.
- Agamben, G. (2005). "State of exception", Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Alemi, M., Tajeddin, Z. & Rajabi Kondlaji, A. (2018). "A Discourse-Historical Analysis of Two Iranian Presidents' Speeches at the UN General Assembly", *International Journal of Society, Culture & Language*, Vol. 6(1), PP. 1-17.
- Allen, N., Bara, J. & Bartle, J. (2013). "Rules, Strategies and Words: The Content of the 2010 Prime Ministerial Debates", *Political Studies*, Vol. 61(1), PP. 92-113. doi: 10.1111/1467-9248.12012.
- Bush, R. (2012). "Rhetoric, Psychoanalysis, and The Imaginary", *Cultural Studies*, Vol. 26(2-3), PP. 282-298. doi: 10.1080/09502386.2011.644115.
- Carreon, J.R. & Svetanant, C. (2017). "What lies underneath a political speech?: Critical

- Democratic Politics”, London: Verso.
- Lombard, M., Snyder-Duch, J. & Bracken, C.C. (2002). “Content Analysis in Mass Communication: Assessment and Reporting of Intercoder Reliability”, *Human Communication Research*, Vol. 28(4), PP. 587-604. doi: 10.1111/j.1468-2958.2002.tb00826.x.
- Masoudi, H. (2019). “Metaphorical incarnations of the “other” and Iranian International Relations discourses”, *European Journal of International Relations*, Vol. 25(3), PP. 748-771. doi: 10.1177/1354066119828184.
- Mehring, R. (2017). “Carl Schmitt’s friend-enemy distinction today”, *Filozofija i društvo*, Vol. 28(2), PP. 304-317. doi: 10.2298/FID1702304M.
- Michael, Kaplan. (2010). “The Rhetoric of Hegemony: Laclau, Radical Democracy, and the Rule of Tropes”, *Philosophy and Rhetoric*, Vol. 43(3), PP. 253-283. doi: 10.1353/par.0.0061.
- آمار رسمی کرونا در ایران (۲۰۲۰). بی بی سی فارسی: <https://www.bbc.com/persian/iran-52467458> (Accessed: 29 April 2020).
- Peters, M.A. & Besley, T.A.C. (2014). “Social Exclusion/Inclusion: Foucault’s analytics of exclusion, the political ecology of social inclusion and the legitimization of inclusive education”, *Open Review of Educational Research*, Vol. 1(1), PP. 99-115. doi: 10.1080/23265507.2014.972439.
- Randour, F., Perrez, J. & Reuchamps, M. (2020). “Twenty years of research on political discourse: A systematic review and directions for future research”, *Discourse & Society*, P. 095792652090352. doi: 10.1177/0957926520903526.
- Rear, D. & Jones, A. (2013). “Discursive struggle and contested signifiers in the arenas of education policy and work skills in Japan”, *Critical Policy Studies*, Vol. 7(4), PP. 375-394. doi: 10.1080/19460171.2013.843469.
- Saldaña, J. (2015). “The coding manual for qualitative researchers”, London: SAGE.
- Sullivan, J. & Sapir, E.V. (2012). “Ma Ying-jeou’s Presidential Discourse”, *Journal of Current Chinese Affairs*, Vol. 41(3), PP. 33-68.
- Symon, G. (2008). “Developing the Political Under Authoritarian Regimes: Islamization of Universities in Postrevolutionary Iran”, *Digest of Middle East Studies*, Vol. 21(1), PP. 1-23.
- Goupy, M. (2018). “The state of exception theory of Carl Schmitt and the ambivalent criticism of liberalism”, *Zeitschrift für Politikwissenschaft*, Vol. 28(4), PP. 395-408. doi: 10.1007/s41358-018-0142-3.
- Hughes, C. (2019). “The god card: Strategic employment of religious language in U.S. presidential discourse”, *International Journal of Communication*, Vol. 13, PP. 528-549.
- Kachanoff, F. & et al. (2020). “Measuring Two Distinct Psychological Threats of COVID-19 and their Unique Impacts on Wellbeing and Adherence to Public Health Behaviors”, Chapel Hill.
- Karimi, M. (2018). “The Iranian Green Movement of 2009: Reverberating Echoes of Resistance”, New York: Lexington Books.
- Khilnani, A., Schulz, J. & Robinson, L. (2020). “The COVID-19 pandemic: new concerns and connections between eHealth and digital inequalities”, *Journal of Information, Communication and Ethics in Society*, ahead-of-p(ahead-of-print). doi: 10.1108/JICES-04-2020-0052.
- KhosraviNik, M. (2015). “Discourse, Identity and Legitimacy”, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company (*Discourse Approaches to Politics, Society and Culture*). doi: 10.1075/dapsac.62.
- Laclau, E. (2003). “Why do empty signifiers matter to politicians?”, in Zizek, S. (ed.) *Jacques Lacan: Critical Evaluations in Cultural Theory*. London: Routledge, PP. 305-314.
- Laclau, E. (2008). “Articulation and the Limits of Metaphor”, in Joseph Bono, J., Dean, T., and Plonowska Ziarek, E. (eds) *A Time for Humanities: Futurity and the Limits of Autonomy*. Bronx, NY: Fordham University Press, PP. 61-83.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). “Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics”, in Verso.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (2001). “Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical

Perspective on Technological Change Through Rhetorical Analysis”, *Management Communication Quarterly*, Vol. 22(1), PP. 74-98. doi: 10.1177/0893318908318514.

Takal, G.M. (2018). “Critical Discourse Analysis of President Hamid Karzai's Speech”, *International Journal of Science and Research*, Vol. 8(9), PP. 924-932. doi: 10.21275/ART20201245.

Thomassen, L. (2016). “Hegemony, populism and democracy: Laclau and Mouffe today (review article)”, *Revista Espanola de Ciencia Política*, Vol. 1(40), PP. 161-176.

Willig, C. (2014). “Discourses and Discourse Analysis”, in Flick, U. (ed.) *SAGE Handbook of Analyzing Qualitative Data*. London: SAGE Publications.

Xie, B. et al. (2020). “Global health crises are also information crises: A call to action”, *Journal of the Association for Information Science and Technology*, P. asi. 24357. doi: 10.1002/asi.24357.

Young, R. (1981). “Untying the Text: A Post-Structuralist Reader”, Boston: Routledge & Kegan Paul.

The president's speech: An analysis of Covid-19 discourse in the Iranian president's speeches

Hossein Kermani, Mona Khorshidi, Mohammad Araghi Ashtiyani

Abstract

His paper investigates the Covid-19 discourse which has taken shape in Haasan Rouhani's speeches. Following Laclau and Mouffe theory of discourse analysis, we investigated all of Rouhani's speeches (i.e. 30 speeches) from February 2, 2020 to April 27, 2020. Findings showed that Covid-19 discourse has mainly revolved around three nodal points: the country, enemy, and the state of exception. Our results also explained how Rouhani used Covid-19 as an empty signifier to reinforce the hegemonic discourse in Iran while trying to redefine his relations with the state-leaning organizations. While a growing body of research has already emerged from medical disciplines, this study contributes to our understanding of the novel coronavirus from a discursive perspective. This paper investigates the Covid-19 discourse which has taken shape in Haasan Rouhani's speeches. Following Laclau and Mouffe theory of discourse analysis, we investigated all of Rouhani's speeches (i.e. 30 speeches) from February 2, 2020 to April 27, 2020. Findings showed that Covid-19 discourse has mainly revolved around three nodal points: the country, enemy, and the state of exception. Our results also explained how Rouhani used Covid-19 as an empty signifier to reinforce the hegemonic discourse in Iran while trying to redefine his relations with the state-leaning organizations. While a growing body of research has already emerged from medical disciplines, this study contributes to our understanding of the novel coronavirus from a discursive perspective.

Keywords: President of Iran, Discourse Analysis, Corona Virus, Laclau and Moff.